

هنر وقف و وقف هنر

□ آية الله سيد مرتضى نجومي - کرمانشاه



تباهی‌ها و دوران‌های جوراجور روزگار از بین
برود و نه به تبدیل و تبدل‌های خرید و فروش
و هبه و هدیه از نثار درگاه تو دور گردد.
خداوند! شکر گزاریم؛ شکر بی‌نهایت، آن
گونه که شایسته‌ی تو باشد بر رهبری مقام والای

خداوند! بارالها! سپاس و ستایش نثار
آستان مقدس تو باد که این همه لطف و مکرمت
عنایت و این همه ذوق و لطافت مرحمت فرمودی
و سعادت‌مند آن که این همه شادابی و نشاط را وقف
و حبس بر ساحت مقدس تو کنی که نه به دست

ولتی امر مسلمین، سخنور، دانشور و هنرور
هنر پرور، حضرت آیه الله خامنه ای:
به حُسن خلق و وفا کس به یار ما نرسد
ترا در این سخن انکار کار ما نرسد
اگرچه حسن فروشان به جلوه آمده اند
کسی به حسن و ملاحظت به یار ما نرسد
به حق صحبت دیرین که هیچ محرم راز
به یار یک جهت حق گزار ما نرسد
هزار نقش بر آید ز کلک صنع و یکی
به دلپذیری نقش نگار ما نرسد
هزار نقد به بازار کائنات آرنده
یکی به سگهی صاحب عیار ما نرسد
در این عهد مبارک و میمون که احکام اسلامی
و آداب و معارف الهی و شایستگی ها و
بایستگی های معنوی، نشاطی دیگر یافته،
موقوفات زمان نیز از چنگال وقف خوران
سال های طولانی نجاتی یافته است و آدمی از ابراز
و ابداع ذوقها و لطافتها در موقوفات خرد و
کلان وقف نامه ها و اشیای ریز و درشت به شگفتی
می افتد و به راستی که چه هنرها بر آستان وقف،
وقف گردیده و چه وقفها که حافظ و نگهدار هنر
بوده و هست. چه هنرهایی و چه موقوفاتی.
هنرهایی که به سر پنجه ی هنر آفرینان افسونگر

گویی به افق های بی کرانه ی استعداد های مودوعه
در فطرت هنرمند پیوسته و به سوی ابدیت جاودانه
پویا و ره سپر است. و اما این لطف و مرحمت شرع
و شریعت اسلامی است که با عنایتی به عنوان وقف
مانع از ضایع شدن و از ملک و تصرف خاندان و
شایستگان خارج شدن این همه امانت های ظریف
و ارزنده نموده است و خدای می داند که نقش
وقف در حفظ آثار هنری و ارزنده ی عالم اسلامی
چقدر بالا و گیرا و مؤثر و کارگر بوده است. موقوفه
بودن بسیاری از آثار اسلامی سبب بوده تا مدتیان
و متشرعان، تحفظ بر موقوفه و عمل به آن نموده و
از هدر دادن و ضایع کردن و داد و ستد نمودن و به
دست نا اهلان افتادن خودداری کنند و یکی از
شایسته ترین عامل برای نگهداری از موقوفات
هنری و ارزنده در قرن های اخیر که پای اروپائیان
به سرزمین های اسلام باز شد موقوفه بودن آنها بود.
غارت گران هنری کشورهای اسلامی به هر
عنوان و بهانه ای آثار ارزنده را خریده و به خارج
انتقال دادند نمی گوئیم که موقوفات ارزنده ما به
خارج نرفته است، ولی به زیادی غیر موقوفه ها
نرفته است. خود عنوان وقف سبب بوده تا این آثار
گرانها در سرزمین های اسلامی به خصوص ایران
عزیز و سربلند ما محفوظ بماند.

همگان می‌دانند که دین مقدس اسلام دین زیبایی و هنر است.

روژه گارودی در کتاب خود «هنر اسلام» باب اول آن را «اسلام دین زیبایی» نام نهاده است. فطرت هنری در انسان‌ها به ودیعه و در خمیره‌ی آن‌ها نهاده شده است. و به همین سبب است تا آدمی به هر نوع و جور و بهانه‌ای این فطرت الهی را به جلوه در آورده و در همه جا پیاده کند. به ویژه هنرمند مسلمان که حتی در سطح زندگی معمولی خود نیز این زیبایی و زیباسازی را به ظهور و بروز برساند و بدین جهت است که رابطه‌ای هنری بین اشیا و هنر را ایجاد نمود و آثار هنری خود را با شعر و امضا و لطایف خود زینت داد و به قدردانی از ارزش این آثار اقدام به وقف آن‌ها نموده تا به دست ناهلان و نابخردان نیفتد.

تعالیم و معارف تشیع آمیخته با یک دنیا جمال و کمال و دریا دریا ذوق و لطافت و عطوفت است. و خوی و خلق ما ایرانیان نیز چنین است.

گذشتگان ما هنر و هنرنمایی و زیبایی و زیباسازی را در همه‌ی شؤون زندگی و اشیا و آثار دور و بر خود به جلوه در آورده‌اند. این ظرافت و لطافت را هم حتی در وقف‌ها و وقف‌نامه‌ها نیز مراعات کرده‌اند. در این جا بد نیست اشاره‌ای به

یک مطلب شیرین که اشاره‌ای بدان کردیم داشته باشیم و آن عبادت است از اشیا و خط.

بشقاب سفالینی که در کمال ظرافت و نازکی بالعب چشم‌گیر و چشم نواز درست کرده‌اند در میان آن نوشته‌اند برکت لصاحبه «برکت برای صاحبش». در بشقاب‌های سفالین قرن سوم نیشابور چنین می‌خوانیم: بَرَکَةٌ وَ یُسْنُ وَ سُورُ لِصَاحِبِهِ. و این بدان جهت بوده است تا زیبایی ظاهری بشقاب و جام را با معنویتی مذهبی و توجهی به واهب التعم و معطی العطا یا توأم سازند در سنگاب‌های وقفی تنها به نهادن آن در دالان مسجد یا حسینیه یا چهارسوها نمی‌کردند، بلکه سبب وقف را هم ذکر می‌کردند تا تشنگان و آشامندگان هم سیراب شوند و هم به یاد عطش حضرت سیدالشهداء علیه السلام بیفتند. مثل: آبی بنوش و لعنت حق بر یزید کن.

از آب هم مضایقه کردند کوفیان

خوش داشتند حرمت مهمان کربلا در وقف هم اگر ظرفی یا شیشی را وقف می‌نمودند، پایه‌ی اول که تقریب به ساحت قدس خداوندی است، گذشته از تذکر این مطلب، اظهار ارادتی دیگر نیز به ساحت مقدس ائمه‌ی معصومین علیهم السلام می‌نمودند؛ مثل این عبارت: «وقف

آستانه مقدسه و عتبه مبارکه امام همام سلطان سربر ارتضاء ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية والثناء. آیا به راستی این وقف نوشته‌ها، خود، معلم و مرتبی خوانندگان و آیندگان نبوده است. وقف نوشته‌های پشت کتاب‌ها به ویژه کتاب‌های علمای اعلام و احادیث ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام شاهدهی بزرگ و گویا بر این مطلب است. ببینید عنایت مردم سابق ما به رضای خدا تا چه پایه بوده است که در شهر ماکرمانشاه در زمان‌های گذشته، لباس عروس و داماد وقفی بوده است تا فقرا به عاریت و امانت گرفته بعد از انجام مراسم عروسی به محلّ خود باز گردانند و این وقف بدان جهت بوده تا فقرا و مستمندان، دلتنگی فقر و ناداری را نداشته و عروسی به خرسندی و خوشحالی برگزار گردد. شنیدم که در استان خراسان و مشهد، موقوفه‌ای بوده است جهت کسانی که کفششان در کفشداری یا شلوغی زوارگم شود، نگران نبوده، کفش برای آنان تهیه نمایند. بنگرید در روزگاری که صنعت چاپی نبود و این همه کتاب چون گنج باد آورده در دست همگان نبود، «طلاب علوم دینیّه» یا «کافه شیعه اثنی عشریه»، چه نیازی به کتاب‌های مورد حاجت خود داشتند و چگونه می‌توانستند به این کتاب‌ها دسترسی پیدا کنند و آن که کتاب با چه زحمتی و

مشقّتی استنساخ می‌کرد، قدر می‌دانست و نمی‌خواست بعد از خود، دیگران مخصوصاً «طلاب علوم دینیّه» یا «طلاب مدرسه مخصوصی» از این فیض مقدّس محروم مانند، کتاب را «تحبیس» درگاه خداوندی می‌نمودند و منفعت و بهره‌ی او را «تسییل» راه او می‌کرد تا صدقه‌ی جاریه‌ای بوده و آیندگان نیز بهره‌برند. و به راستی که چه هنرها بر آستان وقف، وقف گردیده و چه وقف‌ها که حافظ و نگهدار هنر بوده و هست. ■